

محمد امین کمانگر از فرانکفورت

انسانی عظیم به عظمت این کره خاکی چشم از دنیا فرو بست

قلمی از کار افتاد که در این بیدادگری دنیا، راه نجات بشریت را نشانه میرفت. به این انسان بزرگ باندیشید و فکر کنید که چه جنبش عظیم انسانی در نوشته هایش حضور خود را آشکارا بنمایش گذاشته است. آری حزب کمونیست کارگری ایران و جنبش چپ رهبر بزرگ خود را از دست داد.

میز کتاب امروز ما در دانشگاه فرانکفورت مختص به این انسان بزرگ است که در حال و هوای بسیار غم آلود و دردناک، در فراغش پای میز ایستاده ایم تا مرگ او را به همه اعلام کنیم.

در کنار میز ما، میز حزب کمونیست ایران قرار دارد که مسئول میز کتاب جویای حال رفیق منصور حکمت شد جریان را برایش توضیح دادم که او با صدای بلند گریه را سر داد و روی زمین نشست. کسان دیگر هم می آمدند و می پرسیدند .

کل احزابی که میز کتاب داشتند با تاسفی عمیق می آمدند و تسلیت میگفتند. تعدادی اعلام کردند که ما باید همه به هم تسلیت بگویم چونکه منصور حکمت فقط متعلق به حزب کمونیست کارگری ایران نبود او به کل جنبش تعلق داشت و باید گفت که امیدواریم کمونیستها بتوانند راهش را پیگیرانه ادامه دهند باید به همه کمونیستها و به جنبش چپ این ضایعه را تسلیت گفت.

عده دیگری مردم عادی بودند که همیشه جمعه ها به دانشگاه می آیند مثل همیشه انترناسیونال را میگرفتند و میرفتند اما به محض دیدن مطالب آن بلافاصله نا باورانه به سر میز بر میگشتند و از این وضعیت می پرسیدند و با ما احساس همدردی میکردند و همدردی خود را ابراز میکردند. تعداد دیگری وقتیکه انترناسیونال را میگرفتند مات و مبهوت بدون سخن فقط به عکس منصور حکمت نگاه میکردند و تعدادی هم آرام آرام در حالیکه سعی میکردند چهره خود را مخفی کنند گریه میکردند و حرفهای رفیق منصور حکمت را برای هم بازگو میکردند .

انسان دیگری هم مات در کنار میز ایستاده بود و بعد از مدتی کتاب مجموعه آثار را برداشت و با صدای لرزان و بلند و گریه آلود اعلام کرد عزیزان این را همین انسان بزرگ نوشته و و کسی که این نوشته هرگز نمیپیرد او نمرده و هرگز هم نخواهد مرد و با چشم های گریان از میان جمعیت رفت.

و تعدادی هم میگفتند که باز ماندگانش باید راه او را پیگیرانه تا به آخر به پیش ببرند.

سوال مشترک هم این بود که چه مراسمی دارید و کی ؟ و کجا؟

رفقای عضو حزبی که همان لحظه از ماجرا با خبر شده بودند انترناسیونال را میگرفتند و با صدای بلند گریه میکردند و با صدای نه بلند همانجا همدیگر را در آغوش میگرفتند.

رفقا این جو و فضای امروز را هیچ انسانی نمیتواند ترسیم و تعریف کند.

بیاد رفیق منصور حکمت

جمعه ۶ یولی ۲۰۰۲ فرانکفورت

محمد امین کمانگر